



A Jurisprudential Study of Earning Income from the Profession of Hairdressing

Ahmad Soltani Nejad ¹

Roohollah Afzali ^{*2}

Received date: 2025/01/31

Acceptance date: 2025/12/14

Extended abstract

Introduction: Jobs in society, in terms of their impacts on the community or the individuals performing them, may have consequences that need to be estimated from a jurisprudential perspective and subsequently addressed. Each member of society engaging in a profession should first be aware of the rulings pertaining to that profession and, with knowledge of these rulings, understand whether the income derived from it is lawful or unlawful, thus making informed decisions regarding job selection. Therefore, the legal ruling for each profession is determined by considering the nature of that job and its impact on society or on the individual worker. For instance, there are certain professions that have a forbidden impact on society, meaning they lead to corruption, such as the sale of alcohol or gambling devices. As such, since alcohol and gambling instruments are prohibited in Islamic jurisprudence, jobs that generate income through these prohibited activities are also considered unlawful, referred to as "makasib haramah." Based on this criterion, there are professions that are deemed disliked (makruh) due to their detrimental effects on individuals or society. For example, some jobs adversely affect the community psychologically, such as washing corpses and butchering (in the sense of slaughtering animals), which are categorized as makruh professions because they gradually cultivate callousness in the individuals engaged in them. On one hand, investigating the purpose of consumption by the customer is not the responsibility of the seller or service provider. However, if for example, a gardener knows that a certain individual is known for their drinking habits, they should not sell their grapes to that person. Similarly, a female hairdresser who is aware of the impact of her work on the morality of society, or knows that a woman is beautifying herself to be viewed by non-mahrams, should also refrain from providing her services and earning income in such cases. However, if the customer's situation is not clear, the seller or service provider has no obligation regarding the consumer's intentions, and their income is considered lawful.

¹. P.H.D Student, Department of Jurisprudence and Principals of Islamic Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.
ahmad_soltaninejad@yahoo.com

^{2.*} Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principals of Islamic Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.
(Corresponding Author) Afzaligorooh58@Gmail.Com

Methodology: this article employs a library-based and descriptive method to explore the jurisprudential dimensions of a barber's responsibilities and, accordingly, the legal status of the income earned concerning its permissibility or prohibition

Results: In general, the determination of this issue largely depends on various circumstances and situations, and it is not possible to issue a general and definitive judgment regarding it. However, based on what has been stated, the main criteria in this matter are the objective of the embellishment, non-conformity with the degenerate Western culture, having rational benefits, covering from non-mahram (those who are not closely related by blood or marriage), and generally not being classified as haram (forbidden) embellishment. This way, the beautician can consider the income they earn from it as halal (permissible) and it will not be classified as unlawful gains. Overall, the determination of this issue largely depends on various circumstances and situations, and it is not possible to issue a general and definitive judgment regarding it. However, as mentioned, the main criteria in this matter are the objective of the embellishment, non-conformity with the degenerate Western culture, having rational benefits, covering from non-mahram, and generally not being classified as haram embellishment so that the beautician can consider the income they earn from it as halal and it will not be classified as unlawful gains.

Conclusion: In Islam, any action that has a rational benefit and does not harm the individual or society is generally permissible. Rational benefit refers to an advantage that sound reason recognizes and approves of. In the present era, examples of certain beauty practices have emerged that, in the author's view, are more harmful than beneficial in social and personal contexts, according to the opinions of most experts in the medical field. Some scholars and religious authorities have even opposed these practices on the grounds of resembling non-believers and promoting Western culture. On the other hand, the most important factor in determining the legal ruling on the actions of a beautician is their intention. If someone's intention is solely to beautify the client and enhance their appearance without any intent to deceive, it is generally not considered forbidden; if the changes made to the face are minor and natural, and do not completely alter the individual's appearance, then no transgression has occurred. Additionally, if the purpose of makeup is to participate in lawful and legitimate gatherings, it is also not forbidden. However, in the present era, we often see the opposite, where women's makeup is generally deemed impermissible. On the other hand, Islamic jurists, considering numerous narrations, advise against excessive makeup and recognize it as permissible only to a certain extent.

Keywords: Hairdressing, forbidden trades, illicit commerce, beautician.

بررسی فقهی کسب درآمد از حرفه آرایشگری

احمد سلطانی نژاد^۱ روح‌الله افضلی گروه^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

چکیده

فقهاء موضوع تجارت را به لحاظ حکم شرعی، به سه دسته حرام، مکروه و مباح تقسیم کرده‌اند. لذا مکاسب محرمة به تجارت‌هایی گفته می‌شود که دین اسلام آن‌ها را حرام اعلام کرده و هرگونه کسب درآمد از آن نیز حرام شمرده می‌شود که موارد زیادی را در بر می‌گیرد. اما آنچه در این نوشتار سعی شده به آن پرداخته شود، حرفه و شغل آرایشگری است که به دلیل شیوع بالا و گستردگی ابتلاء آن در میان مردم به یکی از چالش‌های جدی فقه در تبیین حالات و شقوق و متعاقب آن احکام مربوطه تبدیل شده، شغلی که به‌مرورزمان و در تطور ایام گذشته تاکنون روزبه‌روز به پیشرفت آن و ایجاد شاخ و برگ‌های جدید منجر شده و بدیهی است بایستی برای هر یک از حالات آن حکم تکلیفی مربوط به آن حکمی از سوی فقه‌اء صادر و موضوع برای مردم و عوام روشن گردد. لذا در این نوشتار که با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی با هدف پژوهش در زمینه یافتن حکم فعالیت‌های مربوط به حرفه آرایشگری از حیث احکام تکلیفی در شقوق مختلف انجام شده مشخص می‌شود، آرایشگری و درآمد آن برای ماسطه به‌خودی‌خود حرام نیست، مگر در مواردی که برخی شروط از جمله قصد حرام مشتری از آرایشگری، علم ماسطه به قصد مشتری، نتایج و آثار آرایشگری و ... در آن جمع باشد که به آن پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: آرایشگری، مکاسب محرمة، تجارت حرام، ماسطه، فقه.

ahmad_soltaninejad@yahoo.com

Afzaligorooh58@Gmail.Com

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

^۲ * استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

مشاغل موجود در جامعه از حیث تأثیراتی که در جامعه و یا خود فرد شاغل دارند ممکن است دارای تبعاتی باشند که آن تبعات بایستی در وهله اول از نظر فقهی تخمین و سپس تعیین تکلیف شوند. به نحوی که هر یک از آحاد جامعه که به شغلی مبادرت می‌ورزد ابتدا احکام آن شغل را بداند و با علم به احکام آن از کسب درآمد حلال یا حرام از آن شغل مطلع شده و نسبت به انتخاب شغل با علم به احکام آن عمل نماید. لذا حکم تکلیفی هر شغل با توجه به شرایط شغل و تأثیری که در اجتماع یا خود فرد شاغل دارد، مشخص می‌شود چنانکه برخی مشاغل هستند که تأثیر حرامی در جامعه دارند یعنی باعث ایجاد فساد می‌شوند، مانند فروش شراب یا آلات قمار به همین دلیل چون مشروبات الکلی و آلات قمار در فقه اسلامی حرام هستند، طبیعتاً شغل‌هایی که از طریق این حرام‌ها درآمدزایی می‌کنند هم حرام محسوب می‌شوند که از آن‌ها به مکاسب محرمة یاد می‌شود. بنابر همین ملاک شغل‌هایی نیز وجود دارند که بر اساس میزان تأثیرات مخرب آن‌ها در فرد یا اجتماع و یا از جهت روانی بر جامعه اثر نامطلوب دارند مکروه محسوب می‌شوند. به طور مثال شغل‌هایی مانند غسالی و قصابی (به معنای ذبح کردن حیوانات) جزء مشاغل مکروه هستند، از جمله دلایل می‌تواند این باشد که این شغل‌ها به مرور زمان برای فرد صاحب آن قساوت قلب می‌آورند.

برخی مشاغل همچون آرایشگری اعم از زنان و مردان به خودی خود حرام نیستند ولی اگر تأثیرات منفی در اجتماع از آن ناشی شود حرمت بر آنان صدق می‌کند. به طور مثال در برخی روایات تراشیدن ریش حرام شمرده شده و بر اساس حدیث مشهور نبوی^۱ وقتی خداوند چیزی را حرام کرده است ثمن آن را نیز حرام کرده است. فلذا به تبع حکم حرمت تراشیدن ریش، درآمد یک آرایشگر که ریش را به طور کامل می‌تراشد و دستمزد آن را می‌گیرد نیز حرام است. لذا با توجه به اینکه در فقه اسلامی، مباحث مربوط به حلال و حرام نقش محوری در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان دارد از طرفی در عصر حاضر، صنعت خدمات آرایشگری به یکی از کسب‌وکارهای پرسود و گسترده تبدیل شده است و با توجه به اهمیت مبانی شرعی و اقتصادی، بررسی دقیق مشروعیت و حلیت درآمدهای این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار است. چنانکه تاکنون نیز در این حوزه یک مقاله با عنوان احکام آرایشگری در فقه امامیه (احمدوند و صیدی پور، ۱۴۰۰) وجود دارد که در آن بیشتر به زوایای فقهی فارغ از نگاه اجتماعی و مکاسب محرمة پرداخته شده، همچنین در مقالات دیگری تنها به حکم آرایش زنان اشاره شده است (فلاح، ۱۳۹۹) و (بهزادی و همکاران، ۱۳۹۶). لذا بررسی از باب مکاسب محرمة با نگاه فقهی و تأثیر آن بر سایر مسائل جامعه یک نگاه نو و مسئله محور است و با بررسی بیشتر سایر مقالات مشخص می‌شود عمده مقالات و بررسی‌ها از حوزه صرف آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی (حکمتی، ۱۴۰۳) و (محمدرسی، ۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی بدن (غفاری و محمدزاده و افتخاری، ۱۴۰۲)، پوشش، زیبایی‌شناسی، مدگرایی (فاطمی نیا، ۱۴۰۳) و ... به آرایشگری نگاه داشته‌اند و مقالات حقوقی نیز بیشتر در زمینه آرایشگری به قصد تدلیس (دهقان عقیفی و موسوی، ۱۴۰۱) مواردی را بررسی کرده‌اند. لذا این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی ابعاد فقهی مسئولیت آرایشگر و به تبع آن وضعیت حکم تکلیفی درآمد کسب‌شده از حیث حلیت یا حرمت می‌پردازد.

اقسام آرایشگری به لحاظ حکم تکلیفی

کلمه ماشطه از ماده مشط مشتق است، در زبان عربی شغل آرایشگری برای زنان را ماشطه و در عربی قدیم، مرد آرایشگر را حجام می‌گفتند. زیرا معمولاً آرایشگران مرد ختنه و حجامت هم انجام می‌دادند که امروز حلقی گفته می‌شود. در کتاب‌های فقه‌های شیعه خضاب ابروها، متصل کردن موی دیگری به موی فرد؛ رنگ لباس، خضاب ابروها، استعمال عطر، خال کوبی و هر چه باعث زیبایی صورت شود زینت شمرده شده است. البته در اینکه اتصال موی دیگری به مو و همچنین رنگ لباس میان فقها اختلاف نظر وجود دارد.

به گفته صاحب جواهر^۲ زینت بودن چیزی به عرف بستگی دارد، برای نمونه او رنگ لباس را در زمان خود، زینت نمی‌داند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۲: ۲۸۰). صاحب عروه^۳، زینت را بسته به اینکه چه شخصی آرایش می‌کند و یا اینکه در چه زمان و مکانی آرایش نموده تفاوت قائل شده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ج ۲: ۹۸). همچنین به فتوای آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، از مراجع تقلید معاصر اینکه در مواردی مانند استفاده از تاتو

^۱ "اذا حَرَّمَ اللَّهُ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ"

^۲ فقیه شیعه در قرن سیزدهم قمری

^۳ فقیه شیعه در قرن سیزده و چهاردهم

زینت محسوب شود به نظر عرف بستگی دارد (احکام آرایش زنان، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله خامنه‌ای). به همین مناسبت در کتاب‌های فقهی، در باب‌های مختلفی مانند نکاح، حج، نماز و مکاسب محرمة (تدلیس ماشطه) از آرایش زنان یاد شده و برای هر یک از آنان نیز احکامی ذکر شده است، لذا می‌توان آرایشگری را از باب احکام تکلیفی مورد بررسی قرار داد:

آرایش مباح

آنچه در عرف از آن به عنوان آرایش یاد می‌شود، زیبا نمودن چهره با استفاده از مواد آرایشی، پیچیدن و درست کردن موها، آراستن ناخن‌ها یا برداشتن موهای زائد صورت است و از آرایش در کتب فقهی با عنوان زینت یاد شده است، البته معنای زینت نسبت به آرایش کلی‌تر است و دیگر زیبایی‌ها را نیز شامل می‌شود. در لغت‌نامه‌ها نیز زینت به هر چیزی که از آن برای آراستن استفاده می‌شود معنی شده است (فراهدی، ۱۳۶۴ و صاحب، ۱۴۱۴ق: ذیل واژه زین).

خود عمل مشط و آرایش، پیراستگی در زن و مرد مصداقی از مصادیق تزئین است. عمل تزئین و پیراستگی انسان از نظر شکل و قیافه و لباس، از اعمال مباح بلکه در بسیاری از موارد راجح و مستحب است که انسان پیراسته باشد، اصل اولیه دلالت بر جواز می‌کند. روایاتی هم دال بر اباحه بلکه استحباب آن وارد شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

یکم: قال الصادق علیه السلام: «هر کس می‌خواهد مو داشته باشد خوب سرپرستی کند و ژولیده نباشد، یا آن را قطع و کوتاه کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۲۳).

دوم: در روایتی آمده است از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند از موهایی که بلندی آن‌ها روی گوش را گرفته است، آن‌ها را شانه کند یا همین‌گونه رها کند و امام فرمودند شانه بزند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۲۳).

سوم: آیه قرآن می‌فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾^۱. روایت ذیل آیه می‌گوید: "من ذلك التمشيط عند كل صلاة" (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۳۳) که دلالت شده بر اینکه موی سر یا صورت را شانه کند.

چهارم: قال الصادق علیه السلام: «ناخن بلند برای زن سبب زینت است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۴۱). پس اصل آراستگی و تزئین و پیراستگی مورد توجه و قبول اسلام است و مصادیق زیادی از پیراستگی را راجح می‌داند فقیهان شیعه نیز با استناد به آیه ۳۱ سوره اعراف، هرگونه زینت و آرایشی را به‌خودی‌خود، جایز دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۷۸ش: ج ۵: ۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۳۳).

حلیت کسب درآمد از آرایشگری مباح

گرفتن دستمزد در برابر آرایش زنان و مردان، اگر برای امر حلالی باشد، جایز است که در اینجا موضوع لزوم مشخص بودن مقصود آرایشگری نمایان می‌شود و احکام تکلیفی نیز با توجه به نیت و مقصود از آرایش متفاوت خواهد بود و بایستی بیشتر بر آن متمرکز شد. آنچه مسلم است و در فقه و حقوق برای نیت اعمال جایگاه ویژه‌ای تعیین شده و بر اساس آن عقاب و کیفر داده می‌شود و در ما نحن فیه نیز مقصود و هدف از آرایش نقش تعیین‌کننده‌ای در حرمت و حلیت آرایشگری و به تبع آن کسب درآمد دارد. به‌طور مثال پوشاندن آرایش از نامحرم قطعاً واجب است و اختلافی در آن نیست ولی اگر برای نماز آرایشی انجام شود پوشاندن آن لازم نیست؛ بلکه به فتوای برخی از فقیهان، آرایش زنان برای نماز، مستحب است.

چنان‌که گفته شد آرایش زنان اگر برای شوهر و در صورت درخواست او باشد واجب و بدون درخواست او مستحب شمرده شده است. ولی آرایش زنان در حال احرام و در زمان عده وفات شوهر، جایز نیست، یا نفس آرایش به‌منظور نمایش به نامحرم حرام و پوشاندن آرایش را برای زنان در برابر نامحرم واجب دانسته‌اند. لذا موضوع نیت در هر دو نوع آرایشگری مباح و حرام وارد است که در مبحث کسب درآمد از آرایشگری حرام بیشتر بدان پرداخته می‌شود.

^۱ سوره اعراف: آیه ۳۱

آرایش واجب

بنا بر فتوای فقهای شیعه در صورتی که شوهر از همسر خود درخواست نماید از آرایش استفاده کند برای زن واجب می‌شود و دلیل آن نیز وجوب اطاعت از شوهر و ادای حق او دانسته شده است.^۱ در اینکه آرایش کردن برای فردی از حیث حکم تکلیفی واجب باشد قطعاً جای بحث در خصوص حرام بودن آن نخواهد شد، مگر اینکه فرد به قصد و نیت آرایش واجب اقدام به مراجعه به ماسطه نماید و در کنار آن نیت و قصدی علاوه بر آرایش واجب داشته باشد. به طور مثال خانمی که بنا به درخواست همسر خود آرایش می‌کند ولی آرایش خود را به مرئی و منظر عموم و نامحرمان می‌گذارد حرام مرتکب شده و به مناسبت هر کدام از اعمال خود کیفر جداگانه خواهد داشت. لذا نمی‌توان انتظار داشت ماسطه بتواند به نیت مشتری خود پی ببرد و تفتیش نیز در این خصوص جایز نیست به همین دلیل بحث در این خصوص ابر خواهد بود.

آرایش مستحب

به گفته فقیهان، آرایش زن برای شوهر، بدون درخواست شوهر مستحب است،^۲ همچنین آرایش زن در زمان عده طلاق رجعی نیز مستحب دانسته شده^۳ و حکمت آن، بر اساس روایت، جلب شوهر و بازگشت او به زندگی عنوان شده است (نجفی، ۱۳۶۵: ج ۳۲: ۳۵۴). در هنگام نماز، پوشاندن آرایش صورت، زیورآلات و مویی که از دیگری به موی زن متصل شده، (در صورتی که نامحرم نبیند) لازم نیست (نجفی، ۱۳۶۵: ج ۸: ۱۷۵)، بلکه همراه داشتن زیورآلات و حنا کردن در حال نماز برای زنان مستحب است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ج ۲: ۶۱۴). حتی برخی مفسران از آیه ۳۱ سوره اعراف استفاده کرده‌اند که زینت کردن هنگام خواندن نماز برای مردان و زنان مستحب است. (طیب، ۱۳۷۰: ج ۷: ۳۰۷).

در برخی روایات به زینت کردن توسط زنان سفارش شده برای نمونه در روایتی از امام باقر علیه‌السلام، شایسته نیست زن دست‌های خود را بدون حنا رها کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵: ۵۰۹). بنابر روایتی دیگر، یکی از ویژگی‌های زن خوب، آرایش کردن برای شوهر و پوشاندن زینت از نامحرمان است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰: ۲۳۵).

در خصوص آرایش مستحب نیز ماسطه یا آرایشگر نمی‌تواند به نیت مشتری پی ببرد و بیشتر مربوط به مکلف است نه آرایشگر فلذا نمی‌توان برای آرایشگر حرجی متصور بود، ولی آرایش‌های حرام را نمی‌توان از این سنخ قاعده دانست و بایستی در این خصوص قائل به تفکیک شد که در مباحث آتی بدان پرداخته خواهد شد.

آرایشگری حرام

به دلیل اینکه در عصر حاضر انواع خدمات آرایشگری به شکل‌های مختلفی بروز و ظهور پیدا کرده که ممکن است در ادوار فقهی متأخر و متقدم به صورت صریح به آن‌ها پرداخته نشده باشد و پیرامون حکم تکلیفی آن‌ها نیز بحث نشده و در کتب فقهی نیز به آن اشاره نشده باشد (این موضوع قرینه‌ای بر جدید و نوآورانه بودن این نوشتار است). لذا ناگزیر هستیم ابتدا به تعریفی از انواع خدمات آرایشگری که در کتب فقهی احکام آن‌ها مطرح و مشخص شده پرداخته و با استفاده از اصول عملیه، تنقیح مناط، وحدت ملاک و ... حکم انواع خدمات جدید آرایشگری را اصطیاد کنیم.

ملاک‌های حرمت

در باب ملاک‌های حرمت می‌توان به موارد عقلی و نقلی اشاره کرد، از جمله روایاتی که اعمال افراد را از باب اعانه به ظلم و اثم حرام می‌دانند و یا اینکه روایاتی که مستقیماً به موضوع آرایشگری پرداخته و مواردی را حرام اعلام کرده است:

^۱ برای نمونه: به فتوای آیت الله ناصر مکارم شیرازی، از مراجع تقلید معاصر، در صورتی که آرایش بسیار خفیف باشد و باعث مفسده ای نشود و فقط محدوده صورت و دست‌ها تا مچ را شامل شود جایز است، همچنین بنا بر نظر آیت الله سیدعلی خامنه ای دیگر مرجع تقلید معاصر اگر آرایش ملایم از نظر عرف زینت و آرایش محسوب شود واجب است، به نظر سایر مراجع تقلید از جمله محمدصادق روحانی آرایش ساده ای که موجب تهییج نامحرم شود جایز نیست، آیت الله جعفر سبحانی نیز معتقد است پوشاندن آنچه آرایش محسوب شود واجب است، آیت الله سیدعلی سیستانی سیدابوالقاسم خویی، میرزا جواد تبریزی نیز پوشاندن آرایش را حتی اگر کم باشد از دید نامحرم واجب می‌دانند.

^۲ برای نمونه: ابن ابی‌جمهور، الاقطاب الفقهیه، ۱۴۱۰: ج ۱۰۰؛ حکیم، الفتاوی، ۱۴۳۳: ج ۲۹۱.

^۳ برای نمونه: بحرانی، الحدایق الناطره، ۱۳۶۳: ج ۲۵؛ خویی، منهاج الصالحین، ۱۴۱۰: ج ۲: ۳۰۳.

اعانه بر اثم:

اعانه بر اثم به معنای کمک کردن به انجام یک گناه است. اگر عمل آرایشگر به گونه‌ای باشد که به فرد دیگری در ارتکاب گناه کمک کند، می‌تواند به عنوان اعانه بر اثم تلقی شود و حرام باشد. اگر آرایشگر با نیت فریب دادن فرد دیگری، مثلاً برای ازدواج، به آرایش و زینت‌آرایی بپردازد و چهره واقعی مشتری خود را پنهان کند، این عمل می‌تواند به عنوان تدلیس و اعانه بر اثم تلقی شود؛ اگر تغییرات ایجاد شده توسط آرایشگر در چهره فرد بسیار زیاد و غیرطبیعی باشد و به گونه‌ای باشد که فرد را به شخص دیگری تبدیل کند، این عمل نیز می‌تواند به عنوان تدلیس و اعانه بر اثم تلقی شود. همچنین اگر آرایشگر به فرد دیگری کمک کند تا به گناه دیگری دست بزند، مثلاً با آرایش کردن او برای حضور در یک مجلس مختلط، این عمل نیز اعانه بر اثم محسوب می‌شود. همانگونه که در مبحث آرایش واجب و مستحب و مباح بدان اشاره شد، آرایشگر ممکن است نتواند به نیت واقعی مشتری خود پی ببرد، ولی زمانی که مشتری از آرایشگر درخواست می‌کند با نوعی آرایش به نحوی اقدام کند که تغییرات عمده‌ای در چهره فرد ظاهر می‌شود، می‌توان به نوعی آرایشگر را عالم به قصد مشتری دانسته و بالتبع کسب درآمد از آن را نیز حرام بداند.

اعانه بر ظلم:

در غالب موارد عمل آرایشگر اعانه بر ظلم است، اینکه کلاه سر دیگران گذاشته شود. فرض کنید کالای معیوب را به عنوان کالای صحیح به دیگری بدهند از مصادیق ظلم است. اینکه عیب دخترخانمی إخفاء شود و نکاح بر اساس تصور بر صحت و سلامت زوجه محقق شود، ظلم به دیگری است و عمل ماشطه اعانه بر ظلم محسوب می‌شود و چون اعانه بر ظلم حرام است لذا از این باب این عمل ماشطه را که تدلیس می‌گویند و مقدمه تدلیس است و از باب اعانه بر ظلم حرام خواهد بود. به طور مثال کسانی که جعل مدرک می‌کنند اگر جعل مدرک مقدمه باشد برای ظلم به دیگران، مثل اینکه مدرک پزشکی جعل می‌کند و با این مدرک طبابت می‌کند یا مدرک مهندسی جعل می‌کند برای کار کردن این ظلم به دیگران است. مقدمه‌اش که جعل مدرک باشد مقدمه ظلم به دیگران است و اعانه بر ظلم طبق روایات در غالب موارد حرام است؛ در این حالت نیز همانند اعانه به اثم تشخیص مقصود مشتری محال نیست و برای آرایشگر ضمان آور است.

بررسی روایات وارده در حرمت حرفه آرایشگری

دسته اول: روایات مانعه از چند عمل خاص

اولین دسته روایاتی است که چند عمل را برای ماشطه ممنوع می‌شمارد:

روایت اول: روایت علی بن غراب

مروم شیخ صدوق در معانی الأخبار روایت را به این سند ذکر می‌کند: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّامِصَةَ وَ الْمُتَمَصَّةَ وَ الْوَاشِرَةَ وَ الْمُسْتَوْشِرَةَ وَ الْوَاصِلَةَ وَ الْمُسْتَوْصِلَةَ وَ الْوَاشِمَةَ وَ الْمُسْتَوْشِمَةَ». رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله و سلم کسی را که موی صورت زن‌ها را می‌کند و آنکه متقاضی این امر است، کسی که بین دندان‌ها به منظور زیبایی فاصله می‌افکند و آنکه متقاضی این امر است، کسی که موهای زنی را به موهای زن دیگر وصل می‌کند و کسی که این کار روی او انجام می‌شود، کسی که خال کوبی می‌کند و کسی که خال کوبی روی او انجام می‌شود را لعنت کرده است.

در این روایت به فرض اعتبار سند، نبی گرامی اسلام چند طائفه را لعن کرده‌اند (کلمه لعن ظهور دارد در بغض شدید) لذا ظهور این کلمه اولاً قرینه‌ای است که این چند دسته افراد مورد لعن حضرت هستند و عمل این‌ها عندالله مبعوض به بغض شدید است لذا عملشان حرام تکلیفی است. شیخ صدوق در معنا و تفسیر فقرات و الفاظ این روایت نقل می‌فرماید که علی بن غراب در خصوص چهار کلمه در این روایت گفته است:

– النَّامِصَةُ یعنی زن آرایشگری که موهای صورت زن‌ها را می‌کند، متمصه از باب افتعال یعنی زنی که این کار روی او انجام می‌شود، (التي يُفَعَّلُ بها ذلك) پس این عمل حرام است و اگر متعلق اجاره هم قرار گیرد اجاره هم باطل است.

– الْوَاشِرَةُ التي تشر أسنان المرأة و تفلجها و تحددها،

در سابق زینت‌هایی روی دندان‌ها اعمال می‌شد، گزارش‌هایی هم از قبائل مختلف است که بعضی قبائل دندان‌هایشان را تیز و کوچک می‌کردند و این را زینت می‌دانستند. مؤتشره هم التي یفعل بها ذلک. این کار هم در زمان‌های مختلف متفاوت بوده گاهی روی دندان‌ها نگین می‌کاشته‌اند برای زینت.

– الوَاصِلَةُ التي تصل شعر المرأة بشعر غيرها من المرأة.

زن آرایشگری که موهای زنی را به موهای زن دیگر وصل می‌کند. امروزه هم افرادی هستند که موهای خود را بلند نگه می‌دارند و قطع می‌کنند و می‌فروشند، در بعضی روایات هم هست که این‌گونه نبوده که مو را بکارند بلکه به موها وصل می‌کرده‌اند.

– الوَاشِمَةُ التي تشم وشمًا فی يد المرأة و فی شيء من بدنها.

وشم یعنی خال کوبی که با سوزن، در پوست سوراخ‌های ریز ایجاد می‌کرده‌اند و با نوره و امثال آن پوست را می‌پوشانده‌اند که رنگ می‌گرفته است. همچنین گزارش‌هایی داریم که قبل از میلاد هم در بعضی اجساد مومیایی خال کوبی مشاهده شده، در بعضی ملتها به‌عنوان زینت و در بعضی ملتها به‌عنوان تعویذ و دور کردن شیاطین بوده است (استاد مروی، درس خارج فقه، جلسه ۵۴).

بررسی سند روایت علی بن غراب

احمد بن محمد بن هیشم که از مشایخ شیخ صدوق است و مرحوم شیخ صدوق حدیث را از ایشان نقل کرده، مرحوم نجاشی در ترجمه فرزندش حسن بن احمد می‌گوید: احمد بن محمد هم ثقة است، در بعضی نسخ وسائل راوی دوم احمد بن یحیی عن زکریا آمده که مسلماً غلط است. بلکه احمد بن یحیی بن زکریا القطان أبو العباس از روایتی است که مرحوم شیخ صدوق در من لایحضر و معانی الاخبار و عیون اخبار الرضا از او روایات زیادی نقل می‌کند. این فرد مجهول است و توثیق ندارد (استاد مروی، درس خارج فقه، جلسه ۴۸).

روایت دوم: مرسله ابن ابی عمیر

از احمد بن محمد، از علی بن احمد بن اشیم از ابن ابی عمیر از مردی که از امام صادق علیه‌السلام سؤال کرده بود روایت شده است آرایشگری نزد پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله آمد، پیامبر صلی‌الله علیه و آله به او فرمود: «آیا کار خود را رها کرده‌ای یا به آن ادامه می‌دهی؟» او گفت: «ای رسول خدا، من این کار را انجام می‌دهم، مگر اینکه مرا از آن نهی کنی، در آن صورت دست می‌کشم». پیامبر صلی‌الله علیه و آله به او فرمود: «این کار را انجام بده، اما وقتی موهایت را شانه می‌کنی، از پارچه استفاده نکن، زیرا رطوبت صورت را از بین می‌برد و مو را به مو نجسبان.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، جلد ۹: ۶۵۷)

نهی از وصل شعر به شعر ظهور در تحریم دارد و اطلاق هم دارد که این وصل مو به شعر انسان باشد یا به شعر حیوان باشد، زیرا در بعضی روایات داریم که گاهی موی بز را وصل می‌کرده‌اند به موی زن که در بعضی روایات تعبیر «قرامل» آمده است. پس ظاهر این روایت حرمت وصل الشعر بالشعر نسبت به خانم‌ها است (استاد مروی، درس خارج فقه، جلسه ۵۷). لذا روایاتی که در باب نهی و حرمت وجود دارد از حیث سندی ضعیف هستند و اکثر علما آن‌ها را رد کرده‌اند.

مصادیق آرایش و آرایشگری حرام:

طبق اصل اولیه از جمله اصل الاباحه که شیخ جعفر کاشف الغطا نیز در کتاب خود بدان پرداخته و هکذا روایات خاصه عمل آرایشگری و تزئین دیگران عملی است که طبق قواعد اولیه و أدله خاصه این عمل مشکلی ندارد و کسب درآمد از این عمل شرعاً مجاز است مگر اینکه عنوان حرامی بر آن منطبق باشد (کاشف الغطاء، ۱۳۸۸: ۱۹۸). همچنین بر اساس حدیث مشهور نبوی^۱ وقتی خداوند چیزی را حرام کرده است ثمن آن را نیز حرام کرده، همچنین از امام صادق علیه‌السلام نقل شده: «إِنَّ الْحَلَالَ مِنَ الْبَيْعِ كُلِّ مَا كَانَ حَلَالاً مِنَ الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرُوبِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا هُوَ قَوَامٌ لِلنَّاسِ وَبِإِباحِ لَهُمُ الْإِنْتِفَاعُ ، وَما كان محرماً أصله منهياً عنه لم یجز بیعه ولا شراؤه». لذا به تبع حکم حرمت اصل یک

^۱ "اذا حَرَّمَ اللَّهُ شَيْئاً حَرَّمَ ثَمَنَهُ"

موضوع، درآمد آرایشگری که آن حرام را انجام می‌دهد نیز حرام است که به برخی مصادیق آرایش حرام که در صورت انجام آن توسط آرایشگر نیز مصداق حرام خواهد بود و کسب از طریق آن نیز حرمت دارد اشاره می‌شود.

آرایش مردان

بنا بر آنچه در مقدمه گفته شد احکام مربوط به آرایشگری منحصر در آرایشگری بانوان نیست و به آقایان نیز مربوط به می‌شود که به برخی مصادیق آن که دارای وصف آرایش با نیت حرام است اشاره می‌شود:

آرایش مشابه زنان: به‌طور کلی آرایش زنانه برای مردان و آرایش مردانه برای زنان حرام است. از نظر اسلام آن شخصیت و تشخیص مردانه برای مردان باید حفظ شود و آن شخصیت زنانه هم برای زنان؛ همچنان که گفته‌اند لباس خاص خانم‌ها را آقایان نپوشند و لباس خاص مردان را زنان نپوشند مگر برای یک غرض عقلایی مثلاً اجرای فیلم یا نمایش. آرایشی که متناسب با مردان باشد و فرد انگشت‌نما شود، اشکالی ندارد اما اگر مثل برخی که موی سرشان را به‌گونه‌ای ماشین می‌کنند که در جامعه انگشت‌نما می‌شوند و همه نگاه می‌کنند که این چه شکلی است، حرام است. برخی فقها آرایش زنانه برای مردان را در صورتی که موجب تشبه مرد به زن باشد یا مفسده انگیز باشد و یا ترویج فرهنگ مبتذل غرب محسوب شود جایز نمی‌دانند و بنابراین کسب درآمد از این طریق را جایز نمی‌دانند (استفتائات آیت‌الله خامنه‌ای، احکام آرایش مردان).

تراشیدن ریش: در برخی روایات تراشیدن ریش حرام شمرده شده و در یکی از استفتائات آیت‌الله خامنه‌ای از مراجع تقلید معاصر پیرامون اینکه آیا در منطقه‌ای که اکثر مشتریان درخواست تراشیدن ریش از آرایشگر دارند، آیا آرایشگر مجاز است در حالتی که دیگر کاری از او ساخته نیست درخواست مشتری را اجابت نماید؟ که در پاسخ به این سؤال آیت‌الله خامنه‌ای عمل مذکور و کسب درآمد از آن را بنا بر احتیاط جایز ندانسته‌اند (استفتائات آیت‌الله خامنه‌ای، احکام آرایش مردان).

آرایش مانع وضو و غسل

بنا بر فتوای مراجع تقلید، مواد آرایشی که جرم داشته باشند مانع وضو هستند و باید قبل از وضو گرفتن پاک شوند. فلذا آرایشی که فقط رنگ دارد و جرم ندارد یا زیر پوست قرار می‌گیرد مانع وضو نیست و وضو با وجود آن صحیح است. بنابراین اگر آرایشی دارای جرم باشد و مانع وضو و غسل شود حرام است و نایبستی توسط مکلف و آرایشگر انجام شود و به تبع آن کسب درآمد نیز از محل آن دارای اشکال است که به برخی اشکال آن اشاره می‌شود.

کاشت مژه: اگر منظور از کاشت مژه کاشت به روش طبیعی و مانند کاشت مو به صورت طبیعی باشد مانعی برای وضو یا غسل نیست، ولی از کاشت مژه به چسباندن مژه مصنوعی اطلاق می‌شود که بسته به شرایط و نحوه استفاده احکام مربوط به خود را دارد. به طور مثال اگر این کار در وقت نماز صورت نمی‌گیرد و شخص می‌داند که برداشتن مانع بعداً مشکل است، بهتر است این کار را نکند ولی اگر این کار را انجام داده است، حال وقت نماز شده و می‌خواهد نماز بخواند و به وضو یا غسل احتیاج دارد؛ در این وضعیت باید این مانع را برطرف کند. ولو اینکه این برطرف کردن با صرف وقت یا هزینه یا کمک گرفتن از دیگران ممکن بشود، به‌هرحال باید این مانع را برطرف کند زیرا وجود این مانع نمی‌گذارد آب به مژه‌های اصلی و پوست برسد و اعمال عبادی مکلف با اشکال مواجه خواهد شد. ولی معمولاً افرادی که اقدام به کاشت مژه می‌نمایند به این موضوع توجهی ندارند، که آرایشگر می‌تواند با آگاهی از احکام این موضوع نه تنها مشتری را از عواقب آن آگاه نماید بلکه خود نیز در این گناه شریک نشود و درآمدی که کسب می‌کند نیز محل اشکال نباشد ولی شاهد هستیم که کمتر آرایشگری به این موضوع توجه دارد و بیشتر جنبه مادی برای آنها اهمیت دارد.

کاشت ناخن: بلند گذاشتن ناخن خانم‌ها به‌صورت طبیعی زینت محسوب می‌شود، اما به‌شرط اینکه غیرمتمعارف نباشد و انگشت‌نما نشوند، به‌هرحال اگر زینت محسوب شود باید از نگاه نامحرم پیه‌شوند. لذا یکی از فواید ناخن کاری، ایجاد زیبایی و آراستگی در ظاهر فرد است، البته در حد معقول و مشروط به اینکه این امر به زیاده‌روی منجر نشود و موجب فریبکاری یا تشویق به فساد نشود. از طرفی در علوم پزشکی جدید

ادعاهایی مطرح شده که ناخن کاری می‌تواند به حفظ بهداشت ناخن‌ها و جلوگیری از رشد باکتری‌ها کمک کند. ولی نظرات مخالف این موضوع که ناخن کاری سبب رشد عفونت‌ها و اثرات مخرب بر ناخن‌های انگشتان افراد به دلیل استفاده از مواد شیمیایی مضر و آسیب‌رسان به ناخن‌ها می‌شود بسیار بیشتر است و تحقیقات بیشتری نیز روی آن صورت گرفته است. علی‌ایحال آنچه لازم است از منظر این نوشتار به موضوع کاشت ناخن پرداخته شود، این است که هم آرایشگر و هم مشتری بایستی از احکام کاشت ناخن مطلع باشند. حال اگر فرض بر این باشد که مشتری نسبت به موضوع ناآگاه یا حداقل بی تفاوت است، آرایشگر بایستی جنبه‌های شرعی کار خود را به مشتری توضیح و تبیین نماید و در صورتی که مشتری نسبت به این موضوع اصرار داشته باشد باید دید آیا آرایشگر در این خصوص تکلیفی بر عهده دارد یا خیر؟ آیا بایستی به صرف درخواست مشتری خدمات کاشت ناخن را انجام دهد و یا اینکه از باب عدم اعانه بر ظلم و اثم با وی همکاری نکرده و خدماتی ارائه ندهد؟ در این خصوص به نظر نگارنده در صورتی که آرایشگر علم پیدا نماید که در صورت کاشت ناخن اعمال عبادی مشتری تحت الشعاع قرار می‌گیرد نبایستی خدمات مزبور را ارائه نماید

نشان دادن آرایش به دیگران (تبرج ۱)

در آیه ۳۱ سوره مبارکه نور ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...﴾^۲ که به آیه ابداء الزینه شهرت دارد، از نشان دادن زینت‌های زن به نامحرمان نهی شده است. به فتوای فقهای شیعه و با استدلال به آیه مزبور پوشاندن آرایش در برابر نامحرم واجب است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۳۱۹). همچنین در برخی از روایات نشان دادن آرایش زن به نامحرم مذموم شمرده شده است.^۳ در یک روایت از کتاب تهذیب الاحکام یکی از شروط قبولی شهادت زن، آشکار نکردن زینت‌های زنانه و عدم خودنمایی توسط او در مجلس مردان و یا همان عدم تبرج معرفی شده است (شیخ طوسی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۲۴۲). در این مورد نیز اگر زنی به قصد تبرج و نشان دادن آرایش به دیگران آرایش نماید، فعل او حرام و آرایشگر نیز در صورت شناخت از مشتری در فعل او مؤثر و کسب درآمد وی نیز محل اشکال است.

توضیح آنکه به نظر نگارنده نیز تشخیص اینکه هدف مشتری تبرج است یا خیر، برای آرایشگر ممکن نیست. ولی اگر بنا بر قرائن و اوضاع و احوال اگر تشخیص دهد و یا بر اساس شناخت قبلی بداند که مقصود از مشتری تبرج است و با همان آرایش صورت گرفته بدون هیچ مراعاتی در جامعه و در علن و در مرئی عموم نامحرمان حاضر می‌شود تبرج اتفاق افتاده و هم آرایشگر و هم مشتری مرتکب فعل حرام شده و درآمد به دست آمده نیز محل اشکال است.

تدلیس ماشطه

یکی از کارهایی که هم خودش هم حرام است و هم کسب درآمد به‌وسیله آن حرام است، تدلیس ماشطه است. در اصطلاح فقهی تدلیس به همان معنای لغوی است، یعنی پنهان کاری و مخفی کاری در قراردادهای که به قصد خدعه و فریب غیر باشد. برخی مصادیق آرایشگری در عصر جدید که موجب می‌شود چهره یک فرد به‌طور کلی تغییر کند و مصداق تدلیس داشته باشد نیز حرام خواهد بود، آرایش‌ها و گریم‌های خاصی که امروزه انجام می‌گیرد و نیز اعمال جراحی زیبایی اگر عامدانه، عالمانه و بدون اطلاع‌رسانی به طرف عقد انجام گیرند، ممکن است موجب اغوا و فریب طرف شده و او را راضی به قبول نماید. مواردی از انواع تدلیس در نکاح در روایات شیعه بیان شده است. در مسئله مذکور یعنی گریم‌های خاص و نیز اعمال زیبایی می‌تواند فریب بوده و پوشاندن عیب محسوب شود. همین امر ممکن است باعث ایجاد رغبت گردیده و انعقاد عقد را در پی داشته باشد و در نهایت با علم به فریب پشیمانی به وجود آید. گفتنی است که علت وضع حق فسخ در تدلیس می‌تواند قاعده نفی حرج و زبانی باشد که در شرع اسلام منفی هستند (دهقان عقیفی و موسوی، ۱۴۰۱).

^۱ در کتاب‌های فقهی از نشان دادن زینت به مردان نامحرم با واژه تَبَرُّج یاد شده است

^۲ ترجمه: و زینت خود را آشکار نکنند، مگر برای... [نور-۳۱]

^۳ برای نمونه: مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۲۳۵.

بررسی حرمت آرایش‌های جدید

در عصر حاضر با رشد و توسعه علم و دانش پزشکی و روزآمد شدن شاخ و برگ‌های صنعت زیبایی در جهان آرایش‌های جدیدی پا به عرصه شهر گذاشته‌اند که در گذشته وجود نداشته‌اند و طبیعتاً در نوشته‌های قدما نمی‌توان اثری از آنها یافت. ولی با استناد به ملاک‌های پیش گفته می‌توان تاحدودی احکام آنها را اصطیاد نمود که به تعدادی از آنها به صورت محدود اشاره شده و از حیث حکم تکلیفی برای آرایشگران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بوتاکس: بوتاکس نام یک برند معروف از خانواده توکسین بوتولینوم تیپ A است که چون برای اولین بار در دنیا مورد استفاده قرار گرفت در ایران و بسیاری از کشورها به یک برند واژه تبدیل شد. توکسین به معنای سم و بوتولینوم نام خانواده قوی‌ترین سم کشنده جهان است ولی در تحقیقات بعدی مشخص شد که تزریق موضعی مقادیر بسیار اندک این سم در یک عضله به‌طوری‌که باعث انتشار آن به سایر قسمت‌ها نشود می‌تواند باعث فلج موضعی در همان ناحیه گردد و در ابتدا استفاده‌های درمانی برای تغییر حالت چهره در مشکلات عضلانی و پلک‌های چشم داشت و در نهایت به تدریج در امور زیبایی برای رفع چین‌وچروک و جوان‌سازی پوست نیز استفاده شد.

حال باید دید می‌توان حکم بوتاکس را به تدلیس ماشطه ملحق دانست؟ پاسخ به این سؤال به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله هدف از تزریق بوتاکس، چنانکه اگر هدف از تزریق بوتاکس، رفع عیوب ظاهری و جوان‌سازی پوست باشد و به‌منظور فریب دادن کسی نباشد، به نظر بسیاری از فقها، حرامی ندارد. ولی اگر تغییرات ایجادشده توسط بوتاکس بسیار زیاد و غیرطبیعی باشد و چهره فرد را به کلی تغییر دهد، ممکن است به‌عنوان تدلیس ماشطه تلقی شود؛ نیت فرد در انجام این عمل نیز بسیار مهم است. برخی فقها با توجه به اینکه بوتاکس برای درمان برخی بیماری‌ها نیز استفاده می‌شود و هدف اصلی آن فریب دادن نیست، آن را حلال می‌دانند برخی دیگر از فقها بر این باورند که هرگونه تغییری در چهره زنان به‌منظور فریب دادن دیگران و به طور خاص مردان، حرام است و بوتاکس نیز از این قاعده مستثنا نیست.

مدلینگ: آنچه در عصر و زمانه جدید، تحت تأثیر فرهنگ‌های غربی در حال تسری همگانی است، استفاده ابزاری از زنان و اندام ایشان برای تبلیغات است و از آنجا که زنان بدون آشکار کردن زینت‌هایشان و رفتار ظاهری زنانه نمی‌توانند به تبلیغ کالا بپردازند بنا بر نظر فقها و مراجع تقلید در مواردی که این موضوع زمینه‌ساز ریه و گناه باشد حرام است اما برخی آن را با رعایت آموزه‌های فقه امامیه جایز دانسته‌اند. لذا در صورتی که به نوع پوشش خود دقت کنند تا بدن نما، نازک، براق و جذاب نباشد، از ابزارهایی که زینت محسوب می‌شوند استفاده نکنند، نوع حرکت، رفتار آن‌ها تحریک‌آمیز نباشد، در این صورت تبلیغ کالا توسط آن‌ها در مقابل نامحرمان یا چاپ عکسشان در مجلات جایز است (صفرنیا، ۱۴۰۱، حکم فقهی مدلینگ بر مبنای آموزه‌های فقه امامیه). حال می‌توان گفت اگر این شرایط گفته شده در یک خانم به اصطلاح مدل جمع نباشد هر گونه اقدامی که آرایشگر برای آن انجام می‌دهد عنوان حرام به خود گرفته و کسب درآمد از آن نیز حرام خواهد بود.

پیرسینگ: پیرسینگ به معنای سوراخ کردن پوست نواحی متفاوت بدن؛ از جمله گوش، بینی، لب، ناف، زبان و حتی گاهی نقاطی از شرم گاهی به‌منظور آویختن زیورآلات است، در این خصوص نیز مطالعات فقهی زیادی صورت نگرفته، ولی در استفتائات مراجع تقلید انجام آن را برای زن‌ها اشکال ندانسته‌اند ولی مقید به این است که چون صدق زینت می‌کند باید هرگونه زینت از نامحرم پوشانده شود و نسبت به مردان نیز، اگر تشبیه مرد به زن محسوب شود و یا مفسده‌آمیز باشد و یا ترویج فرهنگ مبتذل غرب به حساب آید جایز نیست (فتاوی مراجع تقلید). از طرفی در علم پزشکی عمل سوراخ کاری بدن خطراتی نیز از جمله عفونت بافت‌ها، تغییر شکل ناهنجار و ناخواسته آن‌ها، و ایجاد حساسیت را در پی دارد و هیچ فایده‌ای جز زینت را نیز در پی ندارد. ولی از آنجا که در حال حاضر پیرسینگ لب و بینی از پرتعدادترین‌ها می‌باشند پوشاندن آن‌ها از نامحرم مشکل است و در اکثر موارد حریم‌های شرعی رعایت نمی‌شود. به همین دلیل می‌توان گفت برخی آرایشگران که عمل پیرسینگ را برای مشتریان خود انجام می‌دهند اگر در مناطقی از بدن واقع شود که پوشاندن آنها مشکل است می‌تواند ملاکی برای آرایشگران قرار گیرد و درآمد خود را مشمول درآمد حرام ننمایند.

آرایش دائمی: آرایش دائمی نوعی از آرایش است که در آن آرایشگر با استفاده از روش ها و مواد مخصوص مشتری خود را به نحوی آرایش می کند که در مرور زمان از بین نمی رود و پاک نمی شود ولی باید در این موضوع قائل به تفکیک بود. چنانکه گفته شده مصداق آرایش را باید عرف تعیین کند؛ یعنی عموم مردم -افرادی که در محل زندگی شخص هستند- اگر کاری را آرایش بدانند و خانم آن آرایش را داشته باشد باید از نگاه نامحرم پوشیده شود. مثلاً کرم ساده و معمولی را کسی آرایش نمی گوید، لذا اگر آرایش دائمی به نحوی باشد که عنوان آرایش بر آن صدق نکند از محل بحث خارج است، ولی اگر آرایش دائمی به نحوی باشد که صدق آرایش کند بر آرایش کننده واجب است که آن را از نامحرم بپوشاند. ولی اگر او آرایش کند به قصد اینکه نامحرم ببیند، این کار حرام است؛ اگر عمداً در نگاه نامحرم چهره‌ی آرایش شده‌اش را نپوشاند آن نیز حرام است؛ مواردی هم که در بحث پوشش خانم‌ها استثنا شده (گردی صورت و دست‌ها تا مچ) در صورتی است که آرایش و زینتی نداشته باشند. فلذا تفاوتی بین آرایش موقت و دائم نیست و در صورتی که آرایشی به صورت دائم باشد و برای فرد مشکلاتی را در رفت و آمد و حضور در اجتماع ایجاد نماید، پس می توان در لزوم آن یا مفید بودن آن نیز تشکیک ایجاد کرده و بانوان را از آن منع کرد (مهرنیوز، احکام پوشش و آرایش مطابق فتوای رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵) و بدین ترتیب تکلیف آرایشگران نیز معلوم شده و با وجود چنین شرایط درآمدی که از این آرایش کسب می کنند نیز حرام خواهد بود.

خال کوبی یا تاتو: تاتو یا خال کوبی به دو نوع است، تاتوی دائم نوعی است که در آن رنگ به زیر پوست تزریق می شود و برای وضو یا غسل مشکلی ایجاد نمی کند چون مانعی برای رسیدن آب به پوست نیست ولی نوع دوم یعنی تاتوی موقت به دلیل اینکه رنگ بر روی سطح پوست مالیده می شود مانع رسیدن آب به سطح پوست است و بایستی برای وضو یا غسل برطرف شود. خال کوبی نیز جزء آرایش هایی است که از یک طرف زینت محسوب می شود و باید دائماً از نامحرم پوشانده شود و از طرف دیگر فایده‌ای بر آن مترتب نیست و حتی در برخی موارد سبب ایجاد بیماری هیپاتیت تهاجمی می شود. همچنین فقها آن را اگر برای بدن ضرر قابل توجهی داشته باشد یا تصاویر مستهجن یا مطالب باطلی را بر بدن تتو کنند جایز ندانسته اند؛ این خال کوبی در تمام نقاط بدن قابل انجام است. ولی حکم تتو کردن از جهت دیگر این است که اگر خانمی ابرو یا دستش را تتو کرده و آرایش محسوب شود ولو آرایش ساده، باید از نگاه نامحرم بپوشاند. فلذا بنابر آنچه گفته شد در این صورت نیز با عنایت به اینکه ضرر قابل توجه دارد، زینت محسوب می شود، مانع وضو یا غسل است، مفسده انگیز و تشبه به کفار است و ... کسب درآمد از این نوع آرایش محل اشکال خواهد بود.

حرمت کسب درآمد از آرایشگری حرام:

در کتاب های فقهی تجارت حرام یا مکاسب محرمة که بخش بزرگی از مبحث مکاسب یا تجارت ها را در فقه در برگرفته مورد بررسی قرار گرفته و به حدود و شقوق آن ها پرداخته شده است که در مقاله جاری به موضوع شغل آرایشگری اشاره و با دو نوع از این تجارت ها در کتب فقهی تطبیق داده شده است. یکی تجارت چیزی که استفاده حرام از آن قصد شده است؛ مانند خرید و فروش آلات قمار، فروش انگور به کسی که قصد دارد آن را تبدیل به شراب کند و فروش سلاح به دشمنان دین و دیگری تجارت چیزی که فایده چندان ندارد و در مواردی مضر نیز هست.

به فتوای آیت الله مرجع تقلید شیعه آیت الله سیدعلی خامنه ای، آرایش کردن زن به قصد کمک به حرام مانند نشان دادن آن به نامحرم جایز نیست و به فتوای ایشان آرایش موها به سبک فرقه های ضاله جایز نیست و دستمزد دریافتی در برابر آن نیز حلال نیست. از طرفی کنکاش درباره مورد محل مصرف توسط مشتری وظیفه فروشنده یا ارائه دهنده یک خدمت نیست، اما اگر مثلاً باغداری بداند که فردی معلوم الحال و شراب خوار است، نباید محصول انگور خود را به او بفروشد و یا آرایشگر زنانه ای که از تأثیر عمل خود بر عفت جامعه، تأثیر بر انجام یا عدم واجبات دینی و ... مطلع می شود و یا می داند خانمی برای اینکه در معرض دید نامحرم قرار بگیرد، خود را آرایش می کند در این مورد هم نباید خدمتی انجام شده و درآمدی کسب شود. اما اگر وضعیت مشتری مشخص نباشد، فروشنده یا ارائه دهنده خدمات وظیفه ای در مورد موارد مصرفی فروشنده ندارد و درآمدش حلال است.

اصل مطلبی که در این مقاله بدان پرداخته شده در کلام گهربار شهید مطهری به صورت سلیس و روان آمده است، موضوع کسب درآمد حلال از حرفه آرایشگری و تضاد آن با تقاضای شدیدی که در بین مردم خصوصاً زنان جامعه ایجاد شده سبب ایجاد یک دوگانگی و سردرگمی برای آرایشگران شده است، به نحوی که اگر بخواهند احکام اسلام را اجرا کنند دیگر درآمدی عاید آنها نخواهد شد! چنانکه شهید مطهری در یکی از سخنرانی های خود اشاره می کند: «اسلام همواره روش وسط و معتدل را پیش می گیرد و این جهت ناشی از جنبه همه جانبه بودن اسلام است. دو روش افراطی و تفريطی به چشم می خورد، یکی اساساً ارزش سلامت بنیه اقتصادی را درک نمی کند و طرفدار فقر است و فکر می کند همین طور که فقر برای فرد عیب نیست برای جامعه هم عیب نیست. اولاً برای فرد، عیب است و اگر هم برای فرد عیب نباشد برای اجتماع عیب است. و دیگری که به ارزش اقتصاد پی برده است دیگر همه چیز را فراموش می کند و معتقد است منبع درآمد تمایلات بشر است و هر چیزی که تقاضایش وجود داشت و میل به خرید آن در مردم بود و پول درآمدزا بود باید عرضه داشت؛ تقاضا علت تامه جواز عرضه است ولو اینکه عرضه مواد مهلک یا مفسد جامعه باشد. جامعه ای بیماری بادیادک و اسباب بازی و لوازم تجملی دارد، مانند مریضی که اشتها ی چیزی دارد که برایش مضر است. جامعه ای بیماری اتومبیل دارد، مانند بیمار مستسقی یا طفل مبتلا به قی و اسهال که تقاضای آب دارد و صاحب آن فقط به دلیل اینکه در مقابل این آب پول داده می شود مرتب آب می دهد و جیب خود را از پول پر می کند. بالاتر اینکه تقاضای کاذب به وجود می آورد؛ هروثین می سازد و راه درآمد هنگفت به وجود می آورد و معتاد تحویل جامعه می دهد؛ به دلّال می گوید: از هر ده نفر مبتلا به اندازه یک نفر متعلق به شخص خودت، از هر چه فروش کردی ده یک مال خودت. ولی اسلام مکاسب محرّمه دارد، قبل از هر مسئله ای در مکاسب، مکاسب محرّمه را عنوان می کند؛ فروختن بت و صلیب را حتی به غیرمسلمانان تحریم می کند، فروختن شراب و آلات قمار و وسائل گمراهی را مطلقاً تحریم می کند، فروش کتب ضاله را تحریم می کند، بیع سلاح به دشمن را تحریم می کند. اسلام تدلیس ماشطه و مجسمه سازی، ساختن و فروختن ظرف طلا و نقره، شعر هجائی و مدحی، غش، لغو و لهو، قمار، قیادت، قیافه، کهانت، مدّح نا بهجا، نجش، اعانت ظالمین، ولایت از قبل جائز، هجاء مؤمن، اکتساب به واجبات و... را تحریم می کند. از همه این ها [آشکار می شود که] تز اسلام این است: «منبع درآمد تمایلات و خواسته های مردم نباید باشد، مصالح عمومی باید باشد» (مطهری، ۱۳۶۸: ج ۲۰: ۴۰۷).

نتیجه گیری

در اسلام، هر کاری که منفعتی عقلایی داشته باشد و به ضرر فرد یا جامعه نباشد، به طور کلی جایز است. منفعت عقلایی به معنای فایده ای است که عقل سالم آن را تشخیص داده و به آن راضی باشد. در عصر حاضر مصادیقی از آرایشگری پدید آمده اند که به نظر نگارنده در حوزه اجتماعی و فردی و بنا بر نظر اکثر صاحب نظران حوزه پزشکی ضرر آن ها بیش از فایده آن هاست و حتی در کلام برخی فقها و مراجع از باب تشبه به کفار و ترویج فرهنگ غربی با آن مخالفت شده است. از طرفی مهم ترین عامل در تعیین حکم تکلیفی عمل آرایشگر، نیت او و مشتری او است. اگر نیت او تنها زیبا تر شدن مشتری و آراستگی باشد و قصد فریب دادن کسی را نداشته باشد، معمولاً حرامی ندارد؛ اگر تغییرات ایجاد شده در چهره جزئی و طبیعی باشد و به گونه ای نباشد که چهره فرد را به کلی تغییر دهد نیز حرامی مرتکب نشده و همچنین اگر هدف از آرایش، حضور در مجالس حلال و مشروع باشد، نیز حرام نیست. ولی در عصر حاضر شاهد عکس این موضوع هستیم و عمدتاً از آرایش های زنانه مقصود حرام می شود، از طرفی فقهای اسلامی با توجه به روایات متعدد از زیاده روی در آرایش نهی می کنند، آرایش را تا حد معینی جایز می دانند. لذا به طور کلی، تعیین تکلیف این موضوع تا حد زیادی به شرایط و اوضاع و احوال مختلف بستگی دارد و نمی توان حکم کلی و قطعی برای آن صادر کرد، ولی بر اساس آنچه گفته شد ملاک اصلی در این موضوع هدف از آرایش، عدم مطابقت با فرهنگ منحط غربی، منفعت عقلایی داشتن، پوشاندن از نامحرم و به طور کلی عدم اطلاق بر آرایش حرام باشد تا آرایشگر بتواند درآمدی را که از آن کسب می کند حلال بداند و مکاسب محرّمه بر آن اطلاق نشود. ولی متأسفانه شاهد هستیم دامن زدن به این موضوعات در سطح جامعه بدون توجه به احکام فقهی آن سبب ترویج نوعی بی بندوباری، ترویج فرهنگ منحط غربی و مسائل از این دست شده و شیوع آن به حدی است که دیگر کمتر کسی به حرام بودن برخی آرایش ها و به تبع آن کسب از محل آن توجه می نماید. حتی بعضاً مشاهده می شود برخی آرایشگران نسبت به احکام فقهی آشنایی نداشته و یا اطلاع جزئی از آن ها دارند و در اکثر مواقع مصادره به مطلوب کرده و مشتری را نیز به گمراهی می کشانند که بایستی متولیان امر به این موضوع توجه بیشتری داشته باشند. لذا پیشنهاد می شود هر یک از شقوق آرایشگری خصوصاً آرایش های جدید که زوایای اجتماعی، فرهنگی، پزشکی، جامعه شناسی و ...

دارند هر کدام بسته به حوزه‌های علمی مختلف تحت واکاوی بیشتر قرار گیرد. جامعه نسبت به آنها علم و اطلاع پیدا کرده و بر اساس جوانب آن زمینه برای صدور آراء فقهی متناسب فراهم شود و چنانکه در مقدمه مقاله آورده شده جنبه‌های بیشتری از حرام بودن برخی از شقوق آرایشگری تبیین و به تبع آن تکلیف افرادی که در این حرفه مشغول به کار هستند و حتی کسانی که قصد دارند وارد این حرفه شوند را از لحاظ تکلیفی مشخص و متولیان نیز بر اساس نتایج حاصله نسبت به ضابطه‌مند نمودن آن اقدام نمایند.

منابع

قرآن کریم

- احمدوند، خلیل اله و صیدی پور، فریده (۱۴۰۰). احکام آرایشگری از منظر فقه امامیه. *فصلنامه قانون یار*، ۵ (۱۸)، ۵۶-۳۹.
- بهزادی، زینب؛ زرگوش نسب، عبدالجبار و علی محمدی، طاهر (۱۳۹۶). احکام زینت زنان از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی. *فصلنامه فقه و حقوق جزا*، شماره ۴، ۱۰۴-۹۶.
- حکمتی یار عزیز، فاطمه (۱۴۰۳). تأثیر تهاجم فرهنگی بر فرهنگ خانواده با تکیه بر آرایش‌های نوپدید (جراحی‌های زیبایی در مردان و زنان). *فصلنامه آفاق علوم انسانی*، ۸۵، ۲۶-۱۳.
- دهقان عقیفی، ناهید و موسوی، سیدروح اله (۱۴۰۱). بررسی حکم فقهی - حقوقی فسخ نکاح در تدلیس با جراحی پلاستیک و آرایش. *فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد بناب*، ۱۵ (۲)، ۵۸-۳۴.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ قمری). *المحیط فی اللغة*. عالم الکتاب.
- صفرنیا، زهرا (۱۴۰۱). حکم فقهی مدلینگ بر مبنای آموزه‌های فقه امامیه. مؤسسه آموزش عالی حوزوی الزهراء «علیها السلام» معاونت پژوهشی حوزه‌های علمیه خواهران، تبریز.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۰۹ قمری). *العروة الوثقی*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). *الخلاف*. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۰). *تفسیر الطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: کتاب‌فروشی اسلام.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). *تذکره الفقهاء*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- غفاری، مظفر؛ محمدزاده، علی و افتخاری، ابراهیم (۱۴۰۲). طراحی مدل ساختاری اعتیاد به آرایش در زنان متأهل بر اساس اختلال بدشکلی بدن، عزت نفس جنسی و هوش بدنی. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۴ (۴)، ۷۸-۶۸.
- فاطمی نیا، محمدمامین (۱۴۰۳). پدیده مدگرایی و آسیب‌های آن در نوجوانان و جوانان. *فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش*، ۱۳، ۱۷-۳۱.
- فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل (۱۳۶۴). *کتاب العین*. دارالهیجره.
- فلاح، محمدرضا (۱۳۹۹). حکم آرایش زنان در فقه شیعه. *فصلنامه پژوهش‌های اسلامی و مبانی حقوق*، شماره ۵، ۲۸-۶.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۳۸۸). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء*. قم: بوستان کتاب مهدوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. قم: دارالحديث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- محمدی سیف، معصومه (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی آرایش‌های زنان. *فصلنامه روتوشه*، شماره ۹۸، ۱۵۰-۱۳۷.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مجموعه آثار شهید مطهری*. تهران: صدرا.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- <https://www.mehrnews.com/news/3711438/> احکام پوشش و آرایش مطابق فتوای رهبر معظم انقلاب
- <https://ostadmarvi.ir/index.php/feqh> تقریر مکاسب محرمة توسط حجت‌الاسلام جواد مروی

www.khamenei.ir

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای (فتاوی‌ای شرعی)

Holy Quran

Ahmadvand, Kh; & Seydipoor, F. (2021). The rulings of hairdressing from the perspective of Imamiyyah jurisprudence. *Ghanoon Yar Quarterly*, 5(18), 39-56. (In persian)

Allameh Hilli, Hassan bin Y. (1414 AH). *Tadhkirat al-Fuqaha*, Qom: Al-Albait Institute for Reviving Heritage. (In persian)

Behzadi, Z; Zargoush Nasab, A; & Ali Mohammadi, T. (2017). The rulings on women's adornment from the viewpoint of the five Islamic schools of thought. *Quarterly of Jurisprudence and Criminal Law*, Issue 4, 96-104. (In persian)

Dehghan Afifi, N; & Mousavi, S R. (2022). Jurisprudential and legal analysis of annulment of marriage due to fraud through plastic surgery and makeup. *Jurisprudence and Islamic Law Foundations, Islamic Azad University*, Bonab, 15(2), 34-58. (In persian)

Fallah, M. R. (2020). The ruling on women's makeup in Shiite jurisprudence. *Islamic Research and Legal Fundamentals Quarterly*, Issue 5, 6-28. (In persian)

Farahidi, A .Al-Khalil. (1985). *Kitab al-Ain*, Dar al-Hijrah. (In persian)

Fateminia, M. A. (2024). The phenomenon of fashionism and its harms in adolescents and youth. *Strategic Research Quarterly in Education*, 13, 17-31. (In persian)

Ghaffari, M; Mohammadzadeh, A; & Eftekhari, E. (2023). Structural model design of makeup addiction in married women based on body dysmorphic disorder, sexual self-esteem, and bodily intelligence. *Woman and Society Quarterly*, 14(4), 68-78. (In persian)

Hekmatyar Aziz, F. (2024). The impact of cultural invasion on family culture with emphasis on emerging beauty practices (cosmetic surgeries in men and women). *Afagh Humanities Quarterly*, 85, 13-26. (In persian)

Kashif al-Ghita, H. bin J. (2009). *Kashf al-Ghita* 'an Mubahmat al-Shariah al-Gharaa, Qom: Boostan Ketab Mahdavi. (In persian)

Kulayni, M. bin Y. (1407 AH). *Al-Kafi*, Qom: Dar al-Hadith. (In persian)

Majlesi, M.B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*, Tehran: Maktabeh al-Islamiya. (In persian)

Mohammadi Seif, M. (2015). Pathology of women's makeup. *Rahtoooshe Quarterly*, Issue 98, 137-150. (In persian)

Motahhari, M. (1989). *Collected Works of shahid Motahhari*, Tehran: Sadra. (In persian)

Najafi, M.H. (1986). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya. (In persian)

Safarnia, Z. (2022). Jurisprudential ruling on modeling based on teachings of Imamiyyah jurisprudence. *Al-Zahra Higher Education Institute* (Research Deputy of Women's Seminaries), Tabriz. (In persian)

Sahib, I. bin O. (1414 AH). *Al-Muheet fi al-Lughah*, Alam Al-Kitab.

Tabatabaei Yazdi, M. K. (1409 AH). *Al-Urwa al-Wuthqa*, Beirut: Al-A'lami for Publications. (In persian)

Tayeb, A. (1991). *Tafsir Al-Tayyeb Al-Bayan fi Tafsir al-Quran*, Tehran: Ketabfroshi Islam. (In persian)

Toosi, M. bin H. (1988). *Tahdhib al-Ahkam*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya. (In persian)

Toosi, M. bin H. (1999). *Al-Khilaf*, Tehran: Islamic Publications Office. (In persian)

Lecture on Makaseb Moharremah by Hojjat al-Islam Javad Marvi. <https://ostadmarvi.ir/index.php/feqh>

Rulings on covering and makeup according to the Supreme Leader's fatwa.

<https://www.mehrnews.com/news/3711438/>

Official website of Ayatollah Khamenei. www.khamenei.ir (Islamic Fatwas).

